

تبیین قرآنی از باورمندی درونی در جهت مبارزه با احتکار

معصومه میرزاجانی بیجارپسی^۱

رقیه صادقی نیری^۲

علیرضا عبدالرحیمی^۳

چکیده

این پژوهش با به کارگیری شیوه اسنادی و بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مراحل گفتمان سازی قرآن در باب مبارزه با مفسده اقتصادی احتکار پرداخته است. از جمله ناهنجاری های اقتصادی که در قرآن به شدت نکوهش شده احتکار است که عبارتست از انبار کردن ارزاق و کالاهای مورد نیاز مردم به هدف کمبود کالا و افزایش قیمت. به طوری که یکی از مهمترین مفاصد اقتصادی را شکل می دهد که قرآن کریم برای اقتصاد جوامع معرفی نموده است و به شیوع و ترویج آن در جوامع هشدار داده که زمینه ی فروپاشی جوامع از طریق تضییع حقوق افراد و افزایش تورم را فراهم می کند. نتایج پژوهش نشان می دهد که به رغم جدید بودن طرح مسئله گفتمان سازی قرآن در جهت مبارزه با احتکار، با توجه به اهمیتی که اقتصاد در جوامع بشری دارد و تمام جوانب بشری را تحت شعاع قرار می دهد و قوام جامعه به اقتصاد آن است و بروز مفسده ی احتکار چه پیامدهایی خواهد داشت به این مهم پرداخته شده است. گفتمان سازی، طراحی مطلوبیت های اقتصادی تشخیص داده شده بنا بر آموزه های قرآن است تا ارزش ها و هنجارهای قرآنی در جامعه حفظ شود و یک اندیشه دینی به ادبیات رایج جامعه و زندگی مردم تبدیل شود. به این منظور، گفتمان سازی قرآن برای مبارزه با مفسده احتکار به روش تدریجی است که ابتدا با شناخت و معرفی جامعه آغاز شده و سپس با تبلیغ و الگوسازی ارزش ها و فرهنگ سازی و تبیین پیامدها به گفتمان سازی پرداخته است.

واژگان کلیدی

گفتمان سازی، احتکار، قرآن کریم، تورم.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد

Email: m.mirzajani@kiau.ac.ir

اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید مدنی، آذربایجان، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: rsadeghiniri@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

Email: abdoorahimy.ar@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۱

طرح مسأله

قرآن، کتاب هدایتی است که ضامن سعادت انسان‌ها و اصلاح جامعه بشری است و مهمترین و استوارترین روش‌ها برای تبیین برنامه زندگی را پیش پای انسان می‌نهد. از روش‌های موثر مذکور در قرآن، طرح مفاسد اقتصادی و بیان راهکارهای مقابله با این معضل اقتصادی است. در این میان، یکی از امور حرام و از جمله آفات اقتصادی در روابط اجتماعی، احتکار است. احتکار به عنوان یکی از مصادیق کسب حرام در قرآن به شمار می‌رود. خداوند در قرآن، احتکار را به شدت نهی نموده است علت تأکید قرآن بر نهی و نکوهش احتکار به دلیل آثاری است که در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اعتقادی، اجتماعی، دنیوی و اخروی بر جوامع بشری وارد می‌آورد مانند اینکه با انبار کردن کالا و انباشت ثروت مانع از ترویج فرهنگ کار و تلاش می‌شود و بهم زنده‌ی نظام اقتصادی معتدل است که سبب سلب امنیت و فساد و تباهی در جامعه می‌گردد. بر این اساس، سوال اصلی این است که گفتمان سازی قرآن در جهت مبارزه با احتکار چگونه است؟ مقاله حاضر تلاشی در جهت پاسخگویی به سوال مهم فوق است که با استناد و تأمل در آیات قرآن به انجام رسیده است.

۱- ادبیات نظری تحقیق

۱-۱- احتکار در لغت و اصطلاح

در لغت از ریشه «حکر» است و به معنای ظلم، جمع و امساک است (ابن اثیر، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۱۷). در اصطلاح، جمع، حبس و انبار کردن ارزاق و کالاهای مورد نیاز مردم به هدف کمبود و افزایش قیمت می‌باشد به گونه‌ای که زندگی مردم در تنگنای شدید قرار گیرد (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۰۸).

۱-۲- گفتمان در لغت و اصطلاح

گفتمان، از واژه فرانسوی *Discourse* و لاتین *Discursus* به معنی گفتگو، محاوره، گفتار و از واژه *Discurrer* به معنای طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلل ورزیدن و گرفته شده است. این اصطلاح در فارسی در معادل‌های دیگری همچون مقال، سخن، گفتار به کار رفته است (آقا گل زاده، ۱۳۸۵، ص ۸). گفتمان در اصطلاح، ارائه

ی فکری منسجم، منظم و قابل دفاع مبتنی بر فرهنگ و اعتقادات یک جامعه می باشد که از سوی یک رهبر یا فعال سیاسی یا فرهنگی با توجه به فضا و شرایط خاص جامعه تبیین می گردد و محور فعالیت ها و جهت گیری ها قرار می گیرد و بر سرنوشت جامعه و مردم تأثیر می گذارد و رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاصی را شکل می دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۶، ص ۶).

۱-۳- گفتمان سازی

گفتمان سازی، یک اصطلاح جدید است، گفتمان سازی فرآیند تبدیل یا ورود نظریه ها و گفتمان های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به ادبیات رایج جامعه و زندگی مردم است فرآیندی که با شناخت جامعه و استفاده از ابزارهای مناسب و آموزش صورت می پذیرد و اغلب زمانبر است (اسکندری، ۱۳۹۳، ص ۲). گفتمان سازی، شیوه های تبدیل یک برنامه به ادبیات تک تک افراد جامعه می باشد، که نیاز به برنامه ریزی دارد و شامل مراحل است که به صورت گام به گام پیش می رود.

بر اساس این تعریف، گفتمان سازی در جهت مبارزه با احتکار به معنی جریانی است که طی آن بتوان این مفهومی اقتصادی را از جامعه حذف نمود، و بنابراین برای انجام این منظور به شناخت و تبیین مسئله ی احتکار و توجه و تمرکز به روش های رساندن این مفهوم در مخاطب دارد تا بتوان مبارزه با پدیده احتکار را در جامعه گسترش داد، به نحوی که ارزش ها و مقررات مربوط به آن توسط افراد جامعه به رسمیت شناخته شود.

۲- هندسه ی طرح مسئله ی احتکار و گفتمان سازی آن در قرآن بر مبنای ترتیب نزول

برای دستیابی به روش قرآن در گفتمان سازی مبارزه با احتکار در عصر نزول، توجه به هندسه ی طرح این مقوله در قرآن بر مبنای ترتیب نزول سور حائز اهمیت است. آیات احتکار در چهار سوره از سوره های قرآن آمده است. با قدری تأمل و تتبع در منابع و کتب تفسیری و تأمل در سیاق آیات به نظر می رسد ترتیب نزول آیات اینگونه باشد: سوره تکاثر آیه ۲۱، سوره همزه آیه ۲۱، سوره نساء آیه ۲۹، سوره توبه آیه ۳۴. این آیات را می توان در دو گروه آیات نازل شده در مکه و مدینه تقسیم کرد: آیات نازل شده در مکه، آیات ۲۱ سوره تکاثر و آیات ۲۱ سوره همزه است. طرح

مسئله احتکار در سوره مکی آغاز می شود. قالب طرح در این سوره بیان مذمت و نکوهش احتکار به دلیل غفلت است. آیات نازل شده در مدینه، آیات سوره های نساء و توبه می باشند. قالب طرح در سوره مدنی به صورت نهی و نکوهش احتکار و بیان عذاب برای احتکار است.

۳- روش گفتمان سازی مبارزه با احتکار در قرآن

بر اساس این روش به بررسی مراحل می پردازیم که قرآن به وسیله ی آن به مبارزه با احتکار به روش گفتمان سازی پرداخته است. گفتمان سازی، شیوه های تبدیل یک برنامه به ادبیات تک تک افراد جامعه می باشد، که نیاز به برنامه ریزی دارد و شامل مراحل است که به صورت گام به گام پیش می رود. ذکر یک نکته را باید ضروری دانست و آن اینکه، مراحل که در ادامه با عنوان مراحل گفتمان سازی قرآن خواهد آمد، به هیچ عنوان مستقل از هم و مقطعی نیستند و بدین صورت نیست که مرحله بالاتر به اتمام رسیده و کامل قطع گردد و مرحله بعدی آغاز گردد. تمامی مراحل در امتداد هم و هر کدام به صورت مستمر و یا نهایتاً به صورت های دیگر ادامه یافته اند.

۳-۱- مرحله توصیف

مرحله ای است که با ویژگی های صوری متن مانند واژگان، مفاهیم، ارتباط واژگان و معنا با یکدیگر سر و کار دارد (آقاگل زاده، ۱۳۸۶، ص ۴۱).

۳-۱-۱- تشخیص و مسئله شناسی

برای ایجاد تغییر در گفتمان حاکم در عصر نزول که احتکار است به شناخت دقیق جامعه، شرایط و الزامات حاکم بر مردم آن جامعه نیاز است.

احتکار پیش از اسلام به شدت رواج داشته است، برخی از ثروتمندان عصر جاهلیت به بازارها می رفتند و آنچه از مواد غذایی و مایحتاج ضروری مردم را که در آن سودی می دیدند خریداری می کردند سپس انبار می نمودند و در هنگامی که بازار فروش مناسب بود یا در هنگام قحطی و یا کمبود کالا با قیمتی بسیار بالا اقدام به فروش می کردند، بدون اینکه توجهی به گرانی و زبانی که بر مردم وارد می شد داشته باشند. احتکار اغلب در مورد مواد غذایی و ارزاق عمومی صورت می گرفت و مردم به علت نیازی که به ارزاق دارند

مجبورند از روی ناچاری اموال خود را در راه خریداری آنها صرف کنند. بنابراین، پیامبر بر مبنای آموزه های قرآن تصمیم گرفتند بازاری برای مسلمانان ایجاد کنند که محور آن عدالت، پیشرفت و گسترش اقتصاد اسلامی و نشر اسلام باشد، تا امکانی برای احتکار و انبار کالا و گران فروشی برای فروشندگان باقی نماند (جوادعلی، بی تا، ج ۴، ص ۱۴۰).
عمده روش هایی که برای روشن تر ساختن موضوع و تبیین مسئله احتکار صورت گرفت بدین شرح است:

۳-۱-۱-۱- نکوهش احتکار

اولین آیه بر اساس ترتیب نزول که درباره احتکار نازل شده است، آیات ۱ و ۲ سوره تکوین است که خداوند به مذمت و نکوهش احتکار می پردازد و می فرماید: «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ؛ شما را فزونی جستن (در اموال و نسب) مشغول گردانید، تا اینکه قبرها را زیارت کردید».

این آیه اشاره به غفلت در اثر زیاده خواهی در جمع آوری مال دارد که به وضوح انحطاط اخلاقی در پی مال اندوزی را بیان می کند. خداوند در آیه می فرماید که افزون خواهی انسان ها و نازیدن به مال و فرزند باعث غفلت و سرگرمی آنها شده است؛ زیرا انسانی که زیاده خواه است و در نعمت های فراوان غرق شده این تکاثر او باعث سرگرم شدن آن شخص به کارهای کوچک و خفیف شده، از اطاعت و یاد خدا غافل مانده است (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۷۳). خداوند با کلمه تکاثر به این نکته اشاره کرده که تفاخر به بیشتر داشتن، شما را به غفلت انداخت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۰۰). بنابراین هر شیوه تولید مال و ثروت و افزایش سرمایه که انسان را از خدا دور گرداند و باعث انحراف خواسته های صحیح وی گردد و دنیاپرستی و دنیاگرایی را ترویج نماید محکوم است (صدر، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۲۸۰). بنابراین احتکار که افزایش ثروت از طریق انبار کردن مایحتاج مردم برای سود بیشتر در مدت کوتاهی است، بلای بزرگ اقتصادی است و دفع فوری آن واجب است (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۷۰).

خداوند برای تاکید بیشتر درباره نکوهش احتکار این مطلب را در آیات ۱ و ۲ همزه بیان می فرماید: «وَلِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٌ لِّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ؛ وای بر هر عیب جوی طعنه

زن آنکه مالی جمع کرد و شمارش کرد».

خداوند در این آیه می‌فرماید وقتی انسان دریافت که با مال اندوزی، قدرت خرید، مبادله و استفاده از امکانات زندگی فزونی می‌یابد، طبعاً برای بهره‌مندی بیشتر به جمع‌آوری مال روی می‌آورد و به مرور زمان با گسترش تجارت و توسعه زندگی، انباشتن ثروت اهمیت بیشتری می‌یابد و برای گردآوری مال و انباشتن آن راه احتکار برای دریافت سود بیشتر را درپیش می‌گیرد. بنابراین این انسان آنقدر به مال و ثروت علاقه دارد که پیوسته آنها را می‌شمرد و از آن لذت می‌برد و چون تمام آرامش و جاودانگی را در آن خلاصه می‌بیند مردمان فقیر را مسخره می‌کند. مال برای آنها هدف شده است. چنین مالی مایه طغیان، وسیله تفاخر و بهانه‌ی استهزای دیگران است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۳۱۳). این آیات فساد اخلاق کسانی را بازگو می‌کند که به جای انفاق مال، در فکر جمع‌اموال و احتکار هستند و مال را پشتوانه خود قرار داده‌اند و به عیب‌جویی و طعنه‌زدن و غیبت دیگران می‌پردازند، چنین افرادی باید منتظر عذاب خردکننده قیامت باشند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۵۹۲).

در قرآن جمع‌آوری مال مذموم شمرده شده است؛ زیرا که تکاثر و انباشتن مال موجب تمرکز آن در حیطه قدرت فرد یا افرادی خاص می‌شود و این امر با عنصر عدالت اقتصادی که یکی از اهداف اقتصادی اسلام است ناسازگار و در تضاد می‌باشد؛ اولاً: مانع از کفاف اقتصادی دیگر افراد جامعه و رفاه عمومی می‌شود ثانیاً: مانع از تعدیل ثروت و موجب افزایش فاصله بین فقیر و غنی می‌گردد (موحد، ۱۳۸۰، ص ۱۹۰). بنابراین احتکار که یکی از روش‌های انباشتن ثروت است باعث برهم خوردن وضع عادی اجتماع و اختلال نظم عمومی اقتصادی شده و مردم از به دست آوردن مایحتاج زندگی خویش عاجز شده و در عسر و حرج به سر می‌برند. احتکار موجب زیان مردم و اختلال نظام مسلمین می‌گردد و چنین عملی از نظر عقلی زشت و مذموم است و احتکار از نظر شرع مقدس اسلام نیز حرام و ممنوع شمرده شده است (محقق داماد، ۱۳۶۲، ص ۵۱).

مؤید این امر فرمان پیامبر (ص) به کارگزاران در مورد نحوه برخورد با محتکرین

است که می‌فرمایند:

در میان بازرگانان بسیار کسانی هم هستند که بد معامله می کنند، بخیلند و به دنبال احتکارند تنها به سود خود می اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می خواهند می فروشند و این سودجویی و گران فروشی برای همه ی افراد جامعه زیان بار و عیب بزرگی بر زمامداران است پس از احتکار جلوگیری کنید باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد؛ با نرخ ها یی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرساند. کسی که پس از منع تو احتکار کند او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود اما در کیفر او زیاده روی نکنید». (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۰۱۸).

خداوند در آیه ۳۴ توبه نیز بر مذموم بودن و نهی و نکوهش احتکار تاکید دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را بباطل می خورند، و (آنان را) از راه خدا باز می دارند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده».

خداوند در این آیه گناهان مالی یهود و نصاری را مورد تعرض قرار داده است، زیرا هیچ جرم و گناهی به اندازه تعدی به حقوق مالی مردم جامعه را فاسد نمی سازد؛ به همین دلیل مهمترین عامل پایداری اجتماع بشری، اقتصاد جامعه است که خداوند آن را مایه ی قوام اجتماعی قرار داده است.

این آیه تنها در مورد اهل کتاب نازل نشده است، بلکه عموم احتکار کنندگان را به عذاب شدید تهدید می کند، و در جمله «لَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» کنز و انباشت ثروت یا احتکار را توضیح می دهد و این معنی را می رساند که آن احتکاری مبعوض خداوند است که مستلزم خودداری از انفاق در راه او باشد. انفاق در راه خدا عبارت است از انفاقی که قوام دین بر آن است به طوری که اگر در آن مورد، انفاق نشود به اساس دین لطمه وارد می آید، مانند انفاق در جهاد و در جمیع مصالح دینی که حفظ آنها واجب است، و نیز در مورد شئونی از اجتماع مسلمین که با زمین ماندنش شیرازه ی اجتماع از هم گسیخته می

گردد، همچنین در مورد حقوق واجبی که دین آن را به منظور تحکیم اساس اجتماع تشریع کرده است. پس اگر کسی با وجود احتیاج اجتماع به هزینه کردن درباره حوایج اولیه اش، سرمایه و نقدینگی خود را احتکار و حبس کند، او نیز از کسانی است که در راه خدا انفاق نکرده و باید منتظر عذابی دردناک باشد، زیرا او خودش را بر خدایش مقدم داشته و احتیاج موهوم و احتمالی خود و فرزندانش را بر احتیاج قطعی و ضروری اجتماع دینی برتری داده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۵۱).

مراد از مطالب فوق این است که تفاوت فاحش بین فقیر و غنی، دارا و ندار نباشد و انباشت ثروت و گردش آن به گروه و طبقه خاصی اختصاص نداشته باشد. این آیه شاهد بر این مطلب است که اسلام انباشت ثروت بین طبقات خاص را نمی پذیرد، نهی از انباشت و امر به انفاق را طریقی برای رسیدن به ثروت در جامعه معرفی می کند (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۰).

این آیه گرچه درباره کنز اموال است، اما از آن استفاده می شود که بازداشتن منفعت از دیگران ممنوع است و این خاصیت در احتکار نیازمندی های عمومی هم وجود دارد پس بالملازمه بر حرمت احتکار دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۶۰). زیرا احتکار عبارت است از خارج کردن مقادیر متناهی از اموال و اطعمه از گردونه معاملات در یک مقطع زمانی خاص جهت بدست آوردن حداکثر سود، بوسیله ترقی نرخها. زیرا انباشتن اموال موجب زیان و اختلال در نظام جامعه و رکود اقتصادی می گردد (موسوی همدانی، بی تا، ج ۷۱، ص ۱۳۹). بدین منظور حبس و انبار کردن مایحتاج مردم از این جهت مورد نکوهش قرار گرفته است که ذخیره کننده از هوای نفس خود پیروی کرده با وجودی که به آن نیازی ندارد و بندگان خدا به آن نیازمندند در مکانی انباشته و ذخیره نموده نگذاشته که افراد اجتماع آن را به کار اندازند و در نتیجه خودش و دیگران از آنها بهره ببرند و همین، سبب بروز مشکلات بسیاری برای جامعه می شود. به همین دلیل قرآن کریم به مسلمانان سفارش می کند که از احتکار پرهیز کنند.

۳-۲- مرحله تفسیر

در این مرحله به مباحثی فراتر از سطح توصیف پرداخته می شود، یعنی اینکه چه برداشت هایی از مفاهیم وجود دارد و برداشت اصلی و مورد نظرها چه باید باشد. زیرا از طریق ویژگی های صوری متن، نمی توان مستقیماً به تأثیرات ساختاری این ویژگی ها بر شالوده ی جامعه دست یافت؛ اینجاست که ضرورت تفسیر مطرح می شود تا متن بر اساس مفروضات عقل سلیم، که به ویژگی های متن ارزش می دهند، تولید و تفسیر شوند. تفسیرها، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر، دانش زمینه ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می بندد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۱۵).

۳-۲-۱- فرهنگ سازی

استفاده از مصادیقی که برای مخاطبان ملموس و شناخته شده باشد روش قرآن در فرهنگ سازی است. اختصاص بعضی از این آیات فرهنگ ساز و استمرار آن در سوره های قرآن دلالت بر اهمیت این روش دارد. نزول تدریجی آیات قرآن در خلال زندگی مخاطبان خود و تکریم ارزش ها و نکوهش ضد ارزش ها که اغلب از طریق بیان داستان ها و سرگذشت انسان های گذشته صورت می پذیرد و همچنین بیان زمینه های خطر احتکار مانند به تصویر کشیدن شناعة و زشتی مفسده احتکار از طریق بیان روایات پیامبر (ص) و حذف واسطه ها از جمله روش های فرهنگ سازی است که قرآن در زندگی مخاطبان خویش بهره می برد.

۳-۲-۱-۱- حذف واسطه های غیر لازم

برای اجرای عدالت در نرخ گذاری و حفظ سلامت و روند طبیعی عرضه و تقاضا، قوانین حقوقی و اخلاقی در اسلام وضع شده است که یکی از آنها، نفی وساطت غیر ضروری است. از دیدگاه اسلام، تجارت، کار و تلاشی است برای انتقال کالاها از مراکز تولیدی به دست مصرف کنندگان که افزون بر صرف نیروی انسانی، نیازمند سرمایه گذاری است. از این رو، سود حاصل از آن مشروع می باشد. این در حالی است که واسطه های غیر لازم نه تنها خدمتی انجام نمی دهند، بلکه عامل افزایش قیمت هاستند (نمازی،

۱۳۷۴، ص ۱۳۴). در آموزه های اقتصادی اسلام، نفی واسطه گری با عنوان هایی از جمله «نهی از تلقی رکبان» یاد شده است؛ با این توضیح که در زمان رسول خدا، گروهی سودجو که سرمایه های کلان داشتند، پیش از ورود کاروان های تجاری به مدینه و با آگاهی از قیمت ها، به استقبال آنان می رفتند و اجناس آنها را خریداری می کردند. سپس به شهر بازمی گشتند و و کالا را در انحصار خود می گرفتند و کالاهای خریداری شده را به بهای گزاف می فروختند. این کار که از آن به «تلقی رکبان» یاد می شود (تلقی به معنای «پیش باز رفتن» است و «رکبان» جمع راکب به معنی سواران و اشاره به کاروان ها)، دو مفسده در پی داشت: نخست آنکه کاروان های تجاری مغبون و متضرر می شد (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۱۶۸). دوم اینکه بازار کالاها در انحصار سودجویان قرار می گرفت و زمینه برای احتکار کالا فراهم می شد و قیمت ها افزایش می یافت (موسویان، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶). از این رو پیامبر (ص) از این کار نهی فرمود: «لا تلقوا السلع حتی یهبط الی السوق؛ به استقبال کالا نروید بگذارید در بازار وارد گردد» (نيسابوری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۴۰).

منفعت این کار در آن است که اولاً: با کم شدن واسطه ی غیر مفید، از افزایش قیمت ها جلوگیری می شود؛ ثانياً: صاحب کالا به علت ناآگاهی از بهای آن در بازار، متضرر نمی شود؛ ثالثاً: با ورود کاروانیان به شهر، جنس در بازار عرضه شده و در اختیار همه مردم قرار می گیرد، نه یک گروه خاص در بیرون از بازار (حریری، ۱۳۶۲، ص ۱۸۸). اسلام برای جلوگیری از هر گونه انحصار، شدت با این دلالتی و واسطه گری مبارزه نموده است؛ زیرا این عمل ثبات قیمت ها را بر هم می زد و باعث می شد مردم با وجود امکان خرید کالا به قیمت ارزان تر، آن را با قیمتی بیشتر از واسطه گران خریداری کنند.

۴-۲-۲- تبلیغ گفتمان جدید

برای تغییر یک دیدگاه و جایگزینی فرهنگ دیگر به جای آن، پس از تبیین موضوع و آماده شدن اولیه ذهن ها با مسئله محوری، نیاز به تبلیغ فرهنگ جدید وجود دارد. در مرحله ی تبلیغ باید ویژگی های بارز و متفاوت دیدگاه جدید کاملاً بیان شود و در صورت امکان الگوسازی های ذهنی در رابطه با آن صورت گیرد.

در این مرحله علاوه بر بیان نقاط قوت فرهنگ جدید، از ابزارهایی مانند برانگیختن احساسات هم استفاده می شود قرآن در ارتباط با احتکار از این ابزارها کمک گرفته و با روش های زیر به تبلیغ و ارتقاء و به تعبیر دیگر به مبارزه با احتکار پرداختند.

۳-۲-۱- استفاده از روایات پیامبر (ص) در مبارزه با احتکار

احتکار در روایات اسلامی صفتی رذیله، خوی تهکاران و عملی مضر به حال امت و زمامداران شمرده شده و از محتکران به عنوان افراد گناهکار، ملعون و محروم از رحمت خداوند یاد شده است.

در تفسیر آیه ۳۴ توبه پیامبر (ص) روایات زیر را بیان کرد:

- رسول خدا (ص) در حدیثی فرمود: «لَا يَحْتَكِرُ الطَّعَامَ إِلَّا خَاطِيٌّ»؛ خوراک مردم را کسی احتکار نمی کند مگر گناهکار (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۱۴).

پیامبر این عمل را شایسته انسان های مومن و با وجدان ندانسته و فقط کسانی را که اهل گناه و خطا هستند، عامل این کار بیان نموده و می فرماید: «لا یحتکر الا خاطی» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۹۷). از این روایت معلوم می شود که محتکرین انسان های آلوده به خطا و گناه هستند. کسانی که ایمان به خدا دارند و دارای وجدان بیداری هستند و برای افراد جامعه ارزش قائلند دست به این عمل نمی زنند.

- و در کلامی دیگر می فرماید: «من احتکر الطعام اربعین یوما ثم تصدق به لم تکن صدقة كفارة الاحتکار» (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۶۶). کسی که مواد غذایی مورد استفاده مردم را به مدت چهل روز احتکار نماید و به قیمت گران عرضه کند، پس از فروش اگر قیمت آن را صدقه دهد، کفاره گناه احتکارش نخواهد شد. در اسلام صدقه دادن از جمله کارهایی است که ثواب بسیاری برای آن در نظر گرفته شده است، ولی گناه احتکار مایحتاج روزمره مردم، به قدری سنگین است که اگر محتکر تمام اموال احتکار شده را در راه خدا صدقه بدهد و در بین مردم تقسیم نماید، باز هم کفاره آن نخواهد بود (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳۱۴).

رسول خدا (ص) فرمود: «لَأَنْ يَلْقَى اللَّهَ الْعَبْدُ سَارِقًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَلْقَاهُ قَدِ احْتَكَرَ طَعَامًا أَرْبَعِينَ يَوْمًا» (قزوینی، بی تا، ج ۲، ص ۸۲۷)؛ اگر خداوند بنده ای را در حال سرقت

ملاقات کند، در نزد من محبوب تر است از اینکه ملاقات کند او را در حالی که آذوقه مردم را چهل روز احتکار نماید (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۵۹). زشتی عمل احتکار تا آن جاست که پیامبر آن را زشت تر و بسیار سنگین تر از سرقت و دزدی مستقیم از مال مردم می‌داند زیرا اکثر سارقان به خاطر فقر و نداری، مجبور به سرقت می‌شوند، ولی انسان محترک با داشتن اموال و دارایی‌های فراوان به چپاول دست می‌زند و شاید بشود گفت که احتکار باعث تورم گرانی شده و گرانی باعث فقر و فقر موجب سرقت می‌شود. بنابراین محترک هم خود به چپاول اموال مردم می‌پردازد و هم به نحوی باعث سرقت دیگران می‌شود.

آن حضرت در یکی دیگر از فرمایشات خود چنین فردی را منفور در گاه الهی بیان کرده و می‌فرماید: «من احتکر الطعام أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَقَدْ بَرِئَ مِنَ اللَّهِ وَبَرِئَ اللَّهُ مِنْهُ»؛ هر کس ارزاق عمومی را به مدت چهل روز احتکار نماید، از خداوند بیزار است و خداوند هم از وی بیزار است (قزوینی، بی تا، ج ۲، ص ۷۲۸).

- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَالْمُحْتَكَرُ مُلْعُونٌ»؛ کاسب و وارد کننده روزی مردم، روزیش با خداست؛ ولی محترک نفرین شده است. وارد کننده روزی می‌خورد و محترک لعنت می‌برد» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۷۸). آن کس کوشش دارد مواد مورد نیاز مردم را به بازارها برساند خدا به او روزی پاک می‌دهد، و آنکس که سعی در احتکار دارد ملعون و دور از رحمت خدا است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۶۰). در این روایت آن حضرت انسان محترک را در ردیف کفار محسوب نموده و ملعون می‌داند (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۳۸). واژه لعن و دوری از رحمت خدا هرگاه بدون قرینه یاد شود، نشان دهنده زشتی کار در حد حرمت است. احتکار با وصف ردیلت و خصلت فجّار توصیف شده است و احتکار کنندگان به کیفر اخروی تهدید گشته‌اند که خود دلیل یا تاییدی بر نفی این کار است.

- در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل شده است: «الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَالْمُحْتَكَرُ مُحْرَمٌ وَمَنْ احْتَكَرَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ طَعَامًا ضَرَبَهُ اللَّهُ بِالْأَفْلَاسِ وَالْجَذَامِ» (قزوینی، بی تا، ج ۲

ص ۷۲۸)؛ یعنی رونق دهنده بازار مسلمین با جلب اجناس، روزی بسیاری دارد ولی محتکر، محروم خواهد بود، هر که از مسلمانان مواد غذایی را احتکار نماید، خداوند وی را به فقر و جذام مبتلا می‌سازد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۲، ص ۲۹۲).

احتکار به پیکره اقتصاد جامعه ضربه وارد کرده و نرخ کالاها را بالا برده و مردم را از لحاظ معیشتی در تنگنا قرار می‌دهد. از این رو، پیامبر اکرم (ص) از این کار منع نموده و آن را گناهی بسیار عظیم معرفی فرموده و از عواقب آن، به شدت برحذر داشته‌اند. در روایتی آن حضرت (ص) می‌فرماید: «الجالب الی سوقنا کالمجاهد فی سبیل الله و الْمُحْتَكِرُ فی سَوْقِنَا کَالْمُحْجِدِ فی کِتَابِ اللَّهِ»؛ آنانکه به بازار ما چیزی وارد می‌کنند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند و آنکه در بازار احتکار می‌نماید، مانند کسی است که در کتاب خدا کافر به شمار می‌آید. کسی که در بازار ما دست به احتکار زند به منزله کسی است که کتاب خدا را انکار کند (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۷۸). این روایت بیانگر این نکته است که نه تنها انسان محتکر در روز قیامت بایستی در مقابل خداوند پاسخگو باشد و عذاب الهی را بچشد، بلکه در همین دنیا هم خداوند او را گرفتار مرض جذام و فقر می‌نماید.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: اطلعت فی النار فرایت و ادیا فی جهنم یغلی، فقلت: یا مالک لمن هذا؟ فقال: لثلاثة المحتکرین و... (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۲۳، ص ۱۱۰). پیامبر اسلام (ص) فرمود: به جهنم گذر کردم و درّه‌ای دیدم که می‌جوشید و آن جایگاهی بسیار وحشتناک و مخوف بود. پس به مالک آن گفتم: این جایگاه برای چه کسانی است؟ گفت: برای سه طایفه است که یکی از آنها احتکار کنندگان هستند. از این گفتار حضرت (ص)، جایگاه اخروی چنین افرادی هم مشخص می‌شود و آن بدترین و وحشتناک‌ترین جای جهنم است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۳۱۴). این برخوردها نشان دهنده مطرود بودن عمل احتکار در جامعه عصر نبوی است.

۳-۳- تبیین و رفتارسازی

هدف از تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است (مک دانیل، ۱۳۸۰، ص ۲۸). تبیین، با توصیف گفتمان به عنوان کنشی اجتماعی نشان

می دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می بخشند. بنابراین در این مرحله به عوامل اجتماعی، جهان بینی ها و ایدئولوژی ها پرداخته می شود و در این سطح به بررسی وضعیت و روابط مؤلفه های رویکرد گفتمان سازی و نیز بررسی این مؤلفه ها در کنار یکدیگر پرداخته شده است (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۴۵).

بعد از اینکه تبلیغ و فرهنگ سازی در مراحل قبلی انجام شد قرآن کریم با ایجاد احکام و قوانین و بیان ارزش ها و پیامدها در راستای مبارزه با احتکار به رفتارسازی در این امر پرداخته است.

۳-۳-۱- پیامد های احتکار

۳-۳-۱-۱- عدم توجه به کار و تلاش

یکی از روش هایی که باعث می شود گروهی به سمت کار و تلاش برای کسب درآمد نروند، احتکار است. عده ای با انبار کردن کالا نبض بازار را در دست گرفته و قیمت ها را کنترل می کنند. برای این افراد تنها سرمایه در مقابل کار اصالت دارد، یعنی دقیقاً مخالف آنچه مورد نظر قرآن کریم است و لذا جلوگیری از احتکار و انبار کردن کالا یکی از روش هایی است که قرآن برای اصالت دادن به کار مورد استفاده قرار می دهد (حائری، ۱۳۸۶، ص ۲۱۹). با توجه به بیانات قرآن افراد باید با مبارزه با احتکار و گران فروشی که از عوامل رکود اقتصادی و مانع از ترویج و فرهنگ کار است، به طور عملی ثابت کنند که آنچه اصالت دارد، کار و تلاش است و تنها درآمدی که از این طریق حاصل می شود، ارزشمند و با برکت است؛ نه احتکار کردن کالا و گران فروشی و سودآوری از این طریق. بنابراین جلوگیری از احتکار مانع از تمرکز و انباشت ثروت، گرسنگی و بیکاری دیگران می شود که این عمل می تواند در جامعه تعادل و مساوات و عدالت اجتماعی را به وجود آورد (واعظ برزانی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۰).

۳-۳-۱-۲- عامل تورم

احتکار، به لحاظ اینکه قدرت خرید مردم را کاهش می دهد، حرام شمرده شده است. هر مقدار پولی که عادلانه و مشروع در اختیار فردی باشد، در سیستم اقتصادی صحیح، و دور از سودجویی و استثمار، به معنی آن است که به نسبت آن وجه، حق استفاده از

کالاهای جامعه را در رابطه با نیاز خود دارد. ولی احتکار این حق را از او سلب می‌نماید. در واقع احتکار نه تنها پایمال‌کننده‌ی حقی از حقوق افراد است، بلکه بر اثر وجود پول، یعنی وسیله‌ی مبادله کالا در دست مردم، با نبودن کالا در بازار یا کمبود آن، موجب تورم می‌شود که از مفاسد بسیار خطرناک اجتماع است زیرا محتکر با احتکاری که انجام می‌دهد سبب گرانی کالایی می‌شود و وقتی کالایی گران شد، در کالاهای دیگر هم قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند و وقتی قیمت‌ها افزایش (گران) پیدا کرد همه افراد جامعه ضرر و زیان خواهند کرد؛ زیرا میزان احتکار و مدت آن بستگی به وضع بازار و تقاضای مشتریان کالا دارد. تا وقتی که زمینه‌ی ذهنی مصرف‌کنندگان آکنده از نگرانی و بی‌اطمینانی نسبت به آینده باشد و کم شدن موقتی کالا را کم شدن دائمی آن تصور کنند، به خرید کالا به مقداری بیش از اندازه مورد نیاز و به منظور ذخیره‌سازی شتاب می‌آورند. در این وضعیت عمل احتکار فروشنده ثمربخش بوده، درصدد تکرار آن خواهد آمد (صدر، ۱۳۶۲، ص ۷). و در صورت ادامه‌ی آن، آثار ناهنجار نیز به دنبال خواهد داشت و در نهایت در زنجیره‌ی نظام جامعه اختلال ایجاد خواهد کرد و در نتیجه جامعه‌ای فاسد خواهد ساخت. بنابراین یکی از راه‌های افزایش بی‌رویه‌ی ثروت، پدیده زشت احتکار و انحصار است. اقبال عده‌ای به این عمل، می‌تواند کمبود کاذبی پدید آورد، نرخ‌های اجناس و مایحتاج مردم را به طور ساختگی بالا برد و باعث افزایش ثروت آنان شود (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ص ۴۸۱). این عمل، تمام جریان مولفه‌های اقتصادی را به سوی سود بیشتر و انباشتن ثروت، سوق می‌دهد.

۳-۳-۲- روش برخورد با محتکران

رسول خدا برای اصلاح بعد اقتصادی جامعه و پدید آوردن روابط سالم اقتصادی در جامعه، می‌بایست اموری را در جامعه، حذف و اموری دیگر را ایجاد می‌کرد رسول خدا می‌خواست جامعه‌ای را که امت اسلام در آن زندگی می‌کنند، جامعه‌ای سالم گرداند و این امر، در گرو اصلاح اساسی در بعد اقتصادی بود. از این رو، سعی کرد زمینه‌های تکاثر و زیاده‌طلبی را در جامعه مدینه از بین ببرد. رسول خدا از جزئی‌ترین مسائل اجتماع تا کلی‌ترین آنها را مدنظر داشت. در نظر بعضی، بازار مسأله مهمی نیست؛

اما رسول خدا توجه شایانی به بازار داشت؛ خود در بازار می گشت و نسبت به قیمت ها، چگونگی معاملات مردم و خرید و فروش آنها نظارت داشت (میرسلیم، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۴۷). بنابراین یکی از مهمترین اقدامات رسول در مدینه تاسیس بازار مناسب بود. مسلما در چنین بازاری جایی برای احتکار و گران فروشی و... باقی نمی ماند. احتکار عبارت است از کاهش دادن یا متوقف کردن جریان توزیع کالا توسط همه یا برخی از فروشندگان به طور موقت. این اقدام فروشندگان با توجه به وضع بازار و به خصوص تقاضای تحریک شده خریداران به منظور بالا بردن قیمت و درآمد حاصل از افزایش قیمت کالا صورت می گیرد (صدر، ۱۳۶۲، ص ۲۱).

موردی که تحت نظارت شخص رسول خدا و دو تن از صحابه در بازار انجام می گرفت، کنترل قیمت ها و جلوگیری از احتکار کالا بود ایشان برای انجام این کار سعید بن عاص و عمر بن خطاب را به عنوان ناظر بازار تعیین کرد و علاوه بر آنان، شخصا نیز وضعیت بازار را بررسی می نمود (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۶۵). این نظارت سبب کنترل بر نحوه عرضه کالا و خرید و فروش آن می شد (صدر، ۱۳۷۴، ص ۱۷۹). از جمله این موارد، احتکار و دلالی بود که از عوامل تاثیرگذار بر افزایش قیمت ها محسوب می شد. گفته شده حکیم بن حزام از جمله کسانی بود که هرگاه گندم و خواروبار به مدینه وارد می شد، یکجا همه را می خرید و انبار می کرد تا در صورت گران شدن، آن را به فروش برساند (نورالدین، ۲۰۰۶، ج ۴، ص ۳۵۸).

رسول خدا با این شیوه اقتصادی مقابله و در یک اقدام پیشگراانه به محتکر دستور داد که کالای خود را از انبار خارج سازد و در معرض فروش قرار دهد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۵۶) و اگر محتکر امتناع ورزید و حاضر نشد کالا را عرضه کند و در قیمت گذاری کالای خود زیاده روی کرده و حقوق مصرف کننده را رعایت نکند (نراقی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۴۱) حاکم به او دستور پایین آوردن و واقعی کردن نرخ کالاهایش را می دهد. اگر محتکر بعد از دستور حاکم، باز هم از پایین آوردن قیمت خودداری نمود آن گاه حاکم او را مجبور به فروش براساس قیمتی که مصلحت می داند (مطابق معمول قیمت گذاری) می نماید و خود به جای او به فروش کالا اقدام می کند و بدین ترتیب، مردم را

از تنگنا رهایی می بخشد (عبداللهی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۰). زیرا اگر در چنین مواقعی نرخ گذاری به صورت اجباری نباشد نتیجه اش این خواهد بود که محتکر همچنان به احتکار خود ادامه خواهد داد و یا به خاطر فرار از فروش کالایش و ادامه احتکار، ممکن است قیمتی را مشخص کند که عملاً هیچ کس نتواند به آن قیمت خریداری کند (خمینی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۴۱۶).

بنابراین بر اساس آیه ۲۹ سوره نساء «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» ای کسانی که ایمان آورده اید، در اموالی که میان شما دست به دست می گردد به ناروا تصرف نکنید و با سبب های نادرست آنها را از دست مردم خارج نکنید و صاحب نشوید مگر اینکه داد و ستدی برخاسته از توافق شما باشد». اکل مال به باطل عبارت است از هر روشی که مالی را به مصرفی برساند که خداوند اجازه نداده و یا از آن نهی کرده است مانند غش در معامله، رشوه، قمار و احتکار (صالح عبدالله، ۱۳۵۸، ص ۱۳۶).

در شرائط عادی و در مورد کالاهای عادی از نظر فقهی نرخ گذاری و هرگونه تضييع بر صاحبان کالا حرام است (ابن داود، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۴۴). ولی قیمت گذاری در هنگام بروز اجحاف در قیمت ها مورد پذیرش است. به طوری که دولت اسلامی در مرحله اول محتکر را وادار به فروش می کند بدون اینکه برای اجناس نرخ معین نماید، در عین حال کاملاً نظارت بر فروش نموده ولی اگر دولت احراز کند که شخص محتکر هر چند تحت فشار و اجبار عمال حکومت اجناس ذخیره شده خود را در معرض متقاضیان قرار داده ولی نسبت به تعیین نرخ و بهای اجناس، گرانفروشی و اجحاف می کند، در این موضوع دولت نمی تواند بی تفاوت باشد بلکه باید تعیین نرخ نماید چرا که تعیین نرخ از مسائل مهم اجتماعی و اقتصادی و اداری و بلکه اخلاقی و تربیتی و سیاسی و دفاعی در زندگی مردم است. و نرخ گذاری در این بازارها در اقامه قسط و پاسداری از حقوق مردم نقش اساسی دارد (عاملی، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۹) زیرا گران فروختن کالا موجب زیان رساندن به مردم است که از نظر اسلام حرام است وظیفه دولت این است که محتکر را مجبور کنند تا قیمت را پایین آورد (انصاری، ۱۳۷۵، ص ۳۵۹). بنابراین پیامبر با این شیوه

امکانی برای احتکار و انبار کالا و گران فروشی برای فروشندگان باقی نگذاشت. بنابراین محتکر را می‌توان مجازات کرد. که مهم‌ترین مجازات‌ها، اجبار بر فروش و قیمت گذاری بر کالاهای احتکار شده در صورت اجحاف در قیمت می‌باشد.

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر به بررسی شیوه گفتمان سازی و اقدامات قرآن به صورت تدریجی و گام به گام در راستای مبارزه با احتکار پرداخته شد و نتایج زیر حاصل گشت. برای تغییر هر فرهنگی در هر جامعه ای ابتدا باید به گفتمان سازی و تغییر باورها و دیدگاه‌های مردم پرداخته شود و پس از ایجاد دغدغه در ذهن‌ها و تبلیغ و جایگزینی گفتمان جدید، انتظار تغییر فرهنگ و وارد شدن آن فرهنگ در رفتار و عملکرد مردم را داشت، همچنان که شیوه قرآن چنین است. قرآن در راستای گفتمان سازی در ارتباط با مبارزه با احتکار، به صورت تدریجی و برنامه ریزی شده و گام به گام پیش رفته؛ در نتیجه، برای شکل گیری هر تغییر اساسی در جامعه باید با برنامه و به صورت تدریجی جلو رفت و اقدامات سریع و بی برنامه، هیچ تأثیر عمیق و پایداری نمی‌تواند داشته باشد. مراحل گفتمان سازی قرآن در جهت مبارزه با احتکار شامل مراحل زیر است: مرحله توصیف شامل شناخت جامعه، بیان نکوهش عمل. مرحله تفسیر شامل فرهنگ سازی و تبلیغ گفتمان جدید. مرحله تبیین و رفتارسازی از طریق بیان پیامدهای احتکار مانند عدم کار و تلاش.

برای ایجاد تغییر در باور و فرهنگ عمومی مردم نسبت به یک موضوع بعد از برجسته سازی ضعف‌های دیدگاه رایج، باید بلافاصله به تبلیغ و الگوسازی‌های منطبق بر واقع در راستای گفتمان جدید پرداخت و تضعیف گفتمان رایج بدون ارائه ی راهکارهای جدید و واقع بینانه هیچ تأثیر مثبتی نمی‌تواند داشته باشد و این از مهمترین مراحل یک گفتمان سازی موفق است.

فهرست منابع

۱. آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. آقا گل زاده، فردوس، غیاثیان مریم (۱۳۸۶). رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی، مجله زبان و زبان شناسی، ش ۱، ص ۳۹-۵۴.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق). عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة،
۴. تحقیق مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء.
۵. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۴۲۱ ق). النهایه. بیروت: انتشارات دارالفکر.
۶. ابن داوود (۱۴۲۴ ق). سنن ابی داوود، بیروت: دارالفکر.
۷. ابن سعد (۱۴۱۰ ق)، طبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: ادب الحوزه.
۹. اسکندری، محمدرضا (۱۳۹۳). اهمیت و جایگاه گفتمان سازی در منظومه فکری رهبری. بی جا: انتشارات بصیرت.
۱۰. انصاری، مرتضی (۱۳۷۵)، المکاسب، قم: دارالذخایر.
۱۱. پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش.
۱۲. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۶). پگاه حوزه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۱۳. جوادعلی (بی تا) المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۴. حائری، محسن (۱۳۸۶). اندیشه های اقتصادی در نهج البلاغه ترجمه آل بویه لنگرودی، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسین (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت (ع).
۱۶. حریری، محمد یوسف (۱۳۶۲)، اسلام و نظام اقتصادی، بی جا: انتشارات امیری.
۱۷. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰). الحیات، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. خمینی، روح الله، (۱۳۸۸). البیع، تهران: تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. سید رضی (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه محقق فیض الاسلام، قم: هجرت.
۲۰. صالح عبدالله، محمد (۱۳۵۸). احتکار یا خیانت به جامعه، ترجمه فهیم کرمانی. قم: نشر روح.
۲۱. صدر، کاظم، (۱۳۶۲). احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد، تهران: انتشارات ۲۲ بهمن.

۲۲. صدر، کاظم، (۱۳۷۴). اقتصاد صدر اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۳. صدر، محمدباقر (۱۳۵۷). مترجم محمد کاظم موسوی اقتصاد ما. تهران: انتشارات اسلامی.
۲۴. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره فقیه محقق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۲۵. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن ترجمه موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). الاستبصار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. عاملی، محمدجواد (بی تا). مفتاح الکرامه، قم: موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین قم.
۲۸. عبد الهی، محمود (۱۳۷۵). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۲۹. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
۳۰. فیض کاشانی، محسن (۱۳۸۳ق). محجه البیضا ترجمه علی اکبر غفاری، قم: نشر جامعه مدرسین قم.
۳۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۳۲. قزوینی، محمد بن یزید (بی تا)، سنن ابن ماجه، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، محقق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. متقی الهندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹). کنز العمال تحقیق بکری حیانی. بیروت: موسسه الرساله.
۳۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. محقق داماد، مصطفی (۱۳۶۲). تحلیل و بررسی احتکار از نظر گاه فقه اسلام، بی جا: نشر اندیشه های نو در علوم اسلامی.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. مک دائل، دایان (۱۳۸۳). مقدمه ای بر نظریه گفتمان، ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: بی نا.
۳۹. موحد، علی (۱۳۸۰)، اهداف و وظایف حکومت اسلامی، قم: سلسله.
۴۰. موسوی همدانی، ابوالحسن (بی تا)، بحار الانوار، تهران: بی نا.

۴۱. موسویان، عباس (۱۳۷۹). کلیات نظام اقتصادی اسلام، قم: دارالثقلین.
۴۲. میرسلیم، مصطفی (۱۳۷۲)، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی .
۴۳. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام تحقیق عباس قوچانی، تهران: دارالکتب لاسلامیه .
۴۴. نراقی، احمدبن محمد مهدی (۱۴۱۸). مستندالشیعة، مشهد: انتشارات ال البيت لإحياء التراث.
۴۵. نمازی، حسین (۱۳۷۴). نظام های اقتصادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۴۶. نورالدین، علی بن احمد (۲۰۰۶)، سمهودی وفاء الوفاء باخبار. بیروت: دارالکتب العلمیه .
۴۷. نیسابوری، ابی الحسین (۱۴۰۷ق). صحیح مسلم، بیروت: موسسه عزالدین للطباعة و النشر.
۴۸. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۸). ساختار کلی نظام اقتصادی در قرآن، بی جا: موسسه خانه خرد.
۴۹. واعظ پرزانی، محمد (۱۳۸۷)، عدالت و ظرفیت مکاتب مختلف اقتصاد کلان در تحقق مصادیق معنا گرایانه آن، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق و معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

